

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۰۷ جنوری ۲۰۱۵

چرا نام "مرده" های سیاسی را نمی برم؟

این که چرا من از مرده های سیاسی در نوشته های خود نام نمی برم، به اساس توصیه پدراست. پدرم که از جمله مشروطه خواهان بود، روزی به او گفتم شما در قسمت فلان ناکس خاین یک حرف نمی زنید، در حالی که از کثافت کاریهای وی در سیاست آگاهی دارید. پدر گفت:

به گفته خود تو ناکس است. ناکس را نباید نام برد و به خوبی و یا بدی مطرح بحث قرارداد. چرا که به ناکس فرق نمی کند که از اوبه نکوئی یاد کنی یا به بدی؛ او مانند شخصی است که در مسجد چتلی خود را کرد تاسر زبان ها افتاده باشد. در سایت ها و خصوصاً در تورنتوی بزرگ ایالت آنتریوی کانادا کسانی هستند که در سیاست مرده اند و می خواهند که از آنها نام برده شود. هر روز در مساجد سیاست چتلی می کنند تاسر زبان این و آن افتاده باشند و در حقیقت سر زبان انداختن خاینین ملی و به شهرت رساندن کثافت ها و ناکسان هم خیانت به نخبگان تاریخ و سیاست است. به گفته پدرم انسان های عادی یک مرگ دارند دو و چند بار نمی میرند ولی کسانی که خود را در سیاست شاخ نوک تیز حساب می کنند زمانی که در سیاست بدنام می شوند و خیانت شان آشکار می گردد اینها در سیاست مرده حساب می شوند و زدن مرده در قاموس جوانمردی افغانستان کار درست نیست همین که رذالت های آن بار دوش جامعه و تاریخ شده کفایت می کند و سکوت شخصیت های نیک نام سیاسی در برابر ناکسان تاریخ زده بز دلی نیست.

خاین به مملکت را همه می دانند و با قلم صاحب این قلم نیز آشنائی کامل دارند که من از خاین و دارودسته خاین هراس ندارم در طول زندگی خود بی هراس قلم کش کرده ام این که خاینین امروز ادعا می کنند که قاضی موسی از ما نام برده نمی تواند می خواهند مرده های سیاست با این حرفها آب خت کنند و ماهی بیگردند تا از جمله ماهیگیران حساب شوند.

در زمان امیر شهید به ماهیگیران در شکارگاه کله گوش دستور داد که ماهیگیران ماهی بیگیرند و خود پخته کنند هم خودشان بخورند و هم به شاه و درباریان بدهند. ماهیگیران آب خت کردند تاماهی ها کور شوند و سر آب برآیند ماهی گیران ماهی زیاد گرفتند در بین ماهی ها یک مای لقی گرفتند که از نگاه ماهیگیران ماهی حرام است و به نام سگ ماهی یا کور ماهی یاد می شود. در آب هر چه که پیش آید مانند چینیائی ها که در آسمان طیاره و در زمین تانک نمی خورند و هر چیز دیگر که پیش آید می خوردند می نوشند.

شاه در مجلس دید که یک ماهی گیر کور ماهی یاسگ می خورد گفت اوبی پدر چرا؟ از این ماهی های حلال نمی خوری که ماهی حرام می خوری؟ گفت:

اعلیحضرتاً هیچ وقت از ما یاد نکردید این کار را به خاطر یکردم که توجه شما را جلب کنم. شاه گفت می توانستی به کار خوب هم نظر من را جلب می کردی، ماهی شیرین و دوست داشتنی مرا می خوردی. من متوجه می شدم که ماهی خورک شاهانه را به خود اختصاص دادی و شاه به طرف مستوفی ممالک محمدحسین خان نگاه کرد مستوفی از نگاه شاه دانست خنده کرده گفت:

دماغ خرکاری که به بوی باد خر عادت کرده ضرورت به خرید عطریازار ندارد. این خرکاران سیاست به بادخر عادت کرده اند من نمی خواهم که از عطر قلم خود اینهارا مستفید بسازم بهتر است که بگذارم شما ناکسان قلم و سیاست با بوی کردن کثافات قلمی و شهرت کاذب خود بیوسید.